

شهرگرایی و ایستار فرهنگی: مورد تجربی ساکنین شهر تهران

یعقوب موسوی^۱، اعظم پاک خصال^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۲۲، تاریخ تایید: ۹۱/۶/۸

چکیده

شهرگرایی به کیفیت متمایز اجتماع انسانی یا شیوه‌ی زندگی که ویژگی شهر است اشاره می‌کند. شهرگرایی برخلاف شهرنشینی فرایند رشد شهری نیست بلکه مرحله‌ی نهایی و نتیجه‌ی شهرنشینی محسوب می‌شود. در این بررسی شهرگرایی و تأثیر آن بر ایستار و رفتار شهروندان شهر تهران با تأکید بر نظریه لوئیس ورت و نظریه‌های مکتب شیکاگو مورد مطالعه قرار گرفته است. ایستارهای فرهنگی اجتماعی با شاخص‌هایی چون خودبیگانگی، عقلانی شدن کنش فردی، کاهش انسجام اجتماعی، کاهش پیوند عاطفی و افزایش فردگرایی مورد سنجش قرار گرفته‌اند. روش تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه است. حجم نمونه ۳۹۰ نفر از افراد (اعم از مرد و زن) ۲۰-۶۰ ساله‌ی ساکن در پنج منطقه‌ی تهران تعیین شده است که نمونه‌ها بصورت تصادفی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش بر حسب محاسبه‌ی ضریب همبستگی پیرسون مبین وجود رابطه‌ی معنادار بین شهرگرایی و عقلانی شدن کنش فردی، کاهش انسجام اجتماعی و افزایش فردگرایی است. ولی بین شهرگرایی و از خودبیگانگی فردی و کاهش پیوند عاطفی رابطه معنی‌دار نبود.

واژگان کلیدی: شهرگرایی، ایستار، از خودبیگانگی، عقلانیت، کاهش انسجام اجتماعی، فردگرایی، رابطه عاطفی.

Mousavi35@yahoo.com

azam_pakkhesal@yahoo.com

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا.

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.

مقدمه

از جمله پدیده‌هایی که مورد توجه بسیاری از محققین در علوم اجتماعی است پدیده اجتماعی- رفتاری شهرگرایی و نتایج و عوارض ناشی از آن به ویژه در کلان شهرهای بزرگ در جهان است. حیات شهری دارای گذشته بسیار طولانی در تاریخ است. اما آن چه که کیفیت و روند توسعه شهر، شهرنشینی و شهرگرایی را از گذشته آن متمایز می‌گرداند دامنه و قلمرو توسعه شهر و فزونی همه جانبه فرایند شهر نشینی است.

شهر نشینی در دوران اخیر به شکل غالب و قطعی زندگی انسان‌ها بدل شده است. بنا به گزارش دفتر محیط زیست سازمان ملل بیش از نیمی از جمعیت شش میلیاردی جهان ساکن شهرها هستند (دفتر سکونت گاه انسانی، سازمان ملل متحد ۲۰۰۵: ۱۹۲) و این میزان در کشورهای توسعه یافته و یا در کشورهای در حال توسعه با رشد بالا و بسیار بیشتر در حال افزایش است و بر حسب تخمین‌های موجود این میزان گاه به بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیت می‌رسد (همان: ۱۹۵). شرایط رشد شهرنشینی در مفهوم نوین آن در ایران قابل بررسی و اهمیت است. تاریخ جمعیت شهر نشین در ایران گواه بر قلت اسکان در نواحی شهری و پراکندگی بیشتر در نواحی روستایی و یا آبادی‌های کوچک بوده است. حسب آمار و اطلاعات موجود تا سال ۱۳۴۴ شمسی اکثر جمعیت ایران ساکن در روستاها بوده‌اند، اما با ورود صنعت نوین به کشور، تحولات اجتماعی سریع موجب دگرگون در ترکیب جمعیت روستا و شهر گردید. به گونه‌ای که در حال حاضر (طبق گزارش آخرین سرشماری در سال ۱۳۸۵ شمسی) نزدیک به شصت و هشت درصد جمعیت کشور ساکن در مناطق شهری و به نوعی شهرنشین تلقی می‌شوند.

به ویژه شهر تهران به دلایل مختلف از وضعیت پیچیده از لحاظ ترکیب جمعیت مهاجرپذیر و نیز تحولات شهرنشینی در درون خود روبرو بوده است. یک نمونه رشد فوق العاده جمعیت طی فرایند بیست ساله است. بطوری که جمعیت هشت میلیون استان تهران در سال ۱۳۶۵ به سیزده میلیون در سال ۱۳۸۵ منجر می‌گردد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

به نظر می‌رسد آن چه که از منظر جامعه‌شناسی و نیز مطالعات شهری دارای اهمیت است ماهیت و یا طبیعت پیچیده پدیده شهرنشینی در دوران اخیر و به دنبال آن ظهور فرهنگ و رویه شهرگرایی است. رخداد شهرنشینی در دوران جدید تار و پود حیات انسانی را دستخوش تغییر و دگرگونی کرده است. بسط و گسترش آن نه تنها الگوی زیست در محیط و مکان و نیز شرایط استفاده از منابع فیزیکی را در بستر جدیدی از نوآوری و خلاقیت قرار داده است بلکه مهم‌تر از آن تمهید شرایط ظهور اشکال جدید از قشربندی اجتماعی، تکوین و توسعه گروه‌های

متنوع انسانی، شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های مختلف و در نهایت تقویت تمایل‌ها افراد شهرنشین در برخورداری بیشتر استفاده بیشتر از منابع و امکانات محیطی و رفاهی است (عبداله‌پور، ۱۳۸۷)، به همین دلیل جامعه شناسان کلاسیک در ارزیابی از آن چه که شهرنشینی با خود همراه داشته و یا در آینده موجب خواهد شد به ظهور مرحله کاملاً متمایز در عرصه حیات انسانی و سربرآوردن مشکلاتی پرداخته‌اند که در نوع خود خاص و قابل بررسی است. تبعات اولیه پیدایش رفتار شهرگرایانه و تعمیم و گسترش آن همانا شکاف در ساختار به جا مانده فرهنگی نسبتاً همگن و نیز سنتی در محیط‌های بزرگ شهری و پیدایش ناهمگونی‌های متعارض در کنشگران شهرنشین است، همان گونه که ساندرز معتقد است مهمترین موضوع در این ارتباط، بروز اشکال گوناگون از ناسازگاری میان جهان ادراکی افراد و واقعیت ستبر بیرونی در محیط‌های شهری و نیز شکل‌گیری بسترهای بیرونی متناسب در تولید انواع گوناگون از رفتار و سلوک متناقض شهروندی است (ساندرز، ۱۹۸۷: ۱۴).

مسأله تحقیق

در شرایط کنونی آهنگ توسعه در کلان شهرهای بزرگ پیوسته با انواعی از خطرات و عوارض توأم است. به همین دلیل پاره‌ای از نویسندگان از هوای آزاد اما آلوده شهر سخن گفته‌اند. در واقع توسعه شهری در بسیاری از کشورهای جهان از جمله در ایران (علی رغم تفاوت‌های بنیادی و آشکار) همواره با اقسامی از توسعه نیافتگی فرهنگی و کالبدی همراه بوده است (موسوی، ۱۳۸۷). به گونه‌ای که رشد ناموزون بخش‌های گوناگون موجود آن ساختار درونی و کارکردهای ضروری مورد انتظار را دستخوش آسیب‌های فراوان گردانیده است. محیط کلان شهرهای جدید از یک سو عرصه نوآوری‌ها و خلاقیت‌های دانش و تکنولوژی انسان مدرن و از سوی دیگر به فضای رمزآلود حاصل از ناسازگاری‌های نهادی در سطوح متعدد از رفتار و نگرش شهروندان تا سطح ناهمخوانی‌های فضایی تداوم یافته است.

گذشته از آن پی‌آمد شهرگرایی و فرهنگ زیست شهری جدید عدم تجانس و ناسازگاری ادراکی و محیطی است. انتشار خرده فرهنگ شهرگرایی فاصله‌ی اجتماعی بین انسان‌ها را علیرغم نزدیکی فیزیکی‌ای که دارند روز به روز بیشتر نموده و به همراه آن میزان همبستگی، ارتباط و توجه افراد نسبت به یکدیگر در ابعاد عاطفی و اخلاقی کاهش پیدا کرده است (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹: ۲).

از جمله آسیب‌های برخاسته از توسعه و تعمیم فرهنگ شهرگرایی در شهرهای بزرگ صنعتی و شبه صنعتی بیگانگی افراد با محیط کیفی در شهر و کاهش همبستگی‌های لازم اجتماعی است. تغییر الگوی زندگی و تمایل به مصرف بیشتر کالاهای نوین خدماتی موجبات تشدید

فعالیت‌های روزمره و سبب افزایش رقابت در دستیابی به منابع محدود شهری گشته است. شهرنشینی و شهرگرایی علی‌رغم همه امکان‌های رهایی و توسعه‌ای که برای اجتماعات داشته‌اند تناقض‌ها و نارسایی‌های فراوانی را نیز در بطن خود پرورش داده‌اند. شهرنشینی در مفهوم افزایش متوالی و مترکم جمعیت شهرها و شهرگرایی به عنوان فرایند پذیرش ارزش‌های نوین زندگی شهری هر دو زمینه تغییرات فراوان در عرصه حیات شهری و نیز نوع فعالیت و کنش انسان شهرنشین را فراهم ساخته‌اند. از جمله این تغییرات جابجایی ابستار فرهنگی و اجتماعی افراد به سود افزایش تعلق‌های فردگرایانه و انتخاب عقلانی منافع فردی آن‌ها در محیط‌های شهری است (میرزائی، ۱۳۸۵). انتخاب عقلانی و تکیه بر منافع فردی در مرحله نخست خود حاکی از رشد و توسعه کیفیت حیات انسان است اما در مرحله بعد عوارض اجتماعی زیادی را در محیط‌های بزرگ شهری موجب شده است.

اهمیت، ضرورت تحقیق و سؤال از موضوع آن

توسعه فزاینده شهرنشینی و متعاقب آن رواج الگوی جدید زندگی با محتوی شهرگرایی در چند دهه اخیر تار و پود شهر تهران را دچار تغییر نموده است. ساختار و کارکرد کالبدی شهر از یک سو شبکه مناسبات اجتماعی و فرهنگی آن از سوی دیگر دستخوش این تغییر قرار گرفته است. نهادهای جدید اجتماعی در شهر با ترکیبی از نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی جدید تغییر در نگرش و نیز تقویت رویکرد شهرگرایی رادر افراد شهرنشین موجب شده‌اند. دامنه این تغییر بیشتر متوجه گروه‌های اجتماعی مهاجر و تازه‌واردانی است که در سال‌های پس از انقلاب با احساس و انگیزه‌های دیگری از نوع دگرگون‌شوندگی و برخورداری روانه شهر شدند. کثیری از جمعیت مهاجر فوق در جستجوی زندگی و مماش بهتر خود را آماده و پذیرای ارزش‌ها و خرده ارزش‌های نوین شهری نموده‌اند که پیش از آن نسبت به بسیاری از آن‌ها بیگانه بوده‌اند. در این ارتباط کلان شهر تهران از لحاظ فرایند درونی کردن ارزش‌های شهرگرایی در میان شهروندان جدید و سنتی خود در معرض آزمون جدیدی قرار گرفته است. هم‌ماهیت توسعه‌ای به آن کیفیت و وضعیت دیگری تحمیل نموده است و هم آن که افزایش دامنه ارتباطات حقیقی و مجازی انتشار و تثبیت وجه نظرها، ارزش‌ها، خرده ارزش‌ها و رفتارهای دیگری را برای ساکنین آن رقم است. در چنین شرایط پیچیده از لحاظ تغییر ساخت و کارکرد شهری بدیهی است که ایستارها و نگرش‌های جدید مشکلات فراوانی در فرایند انطباق محیطی افراد، افزایش شهروندگرایی گذرا و آسیب‌پذیر، رشد ترجیحات در انتخاب منافع عام بر مصالح و منافع فردی را همراه دارد. این تحقیق در صدد است تا به عنوان پیش در آمدی بر مطالعات بیشتر به کنکاش پیرامون چگونگی تأثیرگذاری فرایند سریع شهرگرایی دوران جدید شهر

تهران بروی ساکنین آن بپردازد. بررسی ایستارهای فرهنگی و اجتماعی کنونی ساکنین شهر تهران مقدمه‌ای است در شناخت بیشتر و بهتر رفتار و کنش شهروندان تهرانی در فضای عمومی و نیز زمینه‌ای است به منظور تهیه روش‌ها و سیاست‌های شهری متناسب در جهت کاهش عوارض و مشکلات برخاسته از شهرگرایی پرشتاب و آسیب‌زا در شرایط کنونی شهر تهران. در نهایت این مقاله پژوهشی در صدد است که به این پرسش اساسی پاسخ دهد که آیا شهرگرایی در مفهوم انطباق با خصوصیات کنونی در کلان شهرها و درونی شدن ارزش‌های حاصل از فرایند این پدیده تأثیری بر سایر ایستارها و گرایش‌های فرهنگی و اجتماعی ساکنین دارد و اگر چنین است این موضوع چگونه می‌تواند مورد تبیین قرار گیرد؟

سطح تحلیل مفهومی شهرنشینی و شهرگرایی

اکنون بیش از نیمی از مردم جهان در شهرها ساکن‌اند و ممکن است تا سال ۲۰۲۵ میلادی بیش از دو سوم مردم جهان در شهرها ساکن شوند. در کل جمعیت شهری رشد کرده، اما این رشد در کشورهای جهان سوم بیشتر بوده است. در نیمه دوم قرن بیستم بیشترین درصد رشد جمعیت شهری متعلق به کشورهای فقیر بوده است و در کشورهای ثروتمند صنعتی، زمانی که نسبت جمعیت ساکن در مناطق شهری به حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از کل جمعیت رسید، در صد شهرنشینی کند شده است. اما در کشورهای در حال توسعه شهرنشینی پدیده‌ای بود که بعد از جنگ دوم جهانی دوم روی داد و سرعت وقوع آن به مراتب سریع‌تر از شهرنشینی اروپا بود (شارع پور، ۱۳۸۷). در مقیاس ملی فرایند شهرنشینی را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد: در مرحله اولیه با شروع مهاجرت بخش عمده‌ای از جمعیتی که در روستا زندگی می‌کردند آغاز می‌شود. با رشد صنایع و مهاجرت گسترده از روستا به شهر مرحله دوم آغاز می‌شود که به مرحله شتاب رشد شهری معروف است. سرانجام، روند صعودی شهرنشینی از سرعت می‌افتد (بران و همکاران، ۲۰۰۳).

شهرنشینی به طور صحیح اشاره دارد به افزایش نسبت جمعیتی که در مراکز شهری یک کشور به سر می‌برند و البته این مراکز دارای ابعاد و اندازه خاصی هستند که با تعریف جمعیت شناختی از شهرنشینی تناسب دارد (آبراکمبی، ۱۳۷۰: ۴۰۴). به طور کلی شهرنشینی دارای دو ویژگی اصلی است: ۱- مهاجرت مردم از حوزه روستایی به شهری برای اشتغال در فعالیت‌ها و شغل‌های غیر کشاورزی ۲- دگرگونی در سبک زندگی مردم از سبک روستایی به شهری که به همراه تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌ها حاصل می‌شود و رفتارهای تازه‌ای را بوجود می‌آورد (شکوئی، ۱۳۸۲: ۷۵).

اما شهرگرایی را می‌توان از شیوه زندگی ساکنان شهر تشخیص داد. میزان جمعیت، تراکم جمعیت و ناهمگنی جمعیت در یک حوزه شهری، در روابط میان افراد و افزایش شرایط تفکیک مردم مؤثر است و در نهایت به «جدایی‌گزینی» گروه‌های مردم در شهر می‌انجامد (فکوهی، ۱۳۸۳). این تفسیر از شهرگرایی به تعریف لوئیس ورث که شهر را به عنوان محل شیوه زندگی خاص می‌شناسد بسیار نزدیک است. می‌توان گفت شهرگرایی با تغییراتی در ارزش‌ها، رسوم و رفتارهای جمعیتی همراه است. دریافتی که از مفهوم شهرگرایی در این تحقیق مد نظر است، همان تحلیل و ترسیم جامعه شناختی آن است که در آن تغییر در «شیوه و سبک زندگی» و «پذیرش ارزش‌های جدید اجتماعی» در کانون توجه آن قرار دارد. به نظر می‌رسد دیگر معانی شهرگرایی خارج از حوزه بررسی‌های جامعه شناختی است.

نظریه کلان شهر و مشکلات روانی(عقلانی): گئورگ زیمل (۱۹۱۸-۱۸۵۸)

دیدگاه جامعه شناختی و روانشناختی زیمل به دلیل پرداختن به مفهوم کنش متقابل در شهر (که رکن اساسی زندگی اجتماعی محسوب می‌شود) راه را برای تحلیل کنش و رفتار انسان شهرنشین هموار می‌گرداند. به عبارت دیگر اهمیت و جایگاه مفهوم کنش متقابل در فضای شهری در نظریه زیمل و نیز تأکید او بر ظهور رفتار نابسامان در حالت‌ها و وضعیت‌های مختلف محیطی در واقع هسته اصلی اندیشه او را در تحلیل و بررسی از فرهنگ شهری تشکیل می‌دهد. نقطه‌ی آسیب شناسانه در ترسیم از زندگی شهری نوین زیمل در جایی است که کنش متقابل افراد در شهرهای مدرن به دلیل تشدید تعارض‌ها و تناقضات متعدد دچار آسیب، وقفه یا رکود می‌شود. افزون بر آن به زعم زیمل عامل تهدیدکننده‌ی کنش متقابل در شهرهای نوین کنده‌شدگی مکان انسان‌ها بر حسب ضروریات زندگی است. عوارض دیگر که به تبع این وضعیت انسان شهری را در معرض تهدید قرار می‌دهد دور شدن عاطفی آن‌ها از یکدیگر، ناشناختگی آن‌ها برای هم و در نتیجه غلبه بی‌اعتمادی برای آن‌ها است (توسلی، ۱۳۸۳). زیمل جایگزین اعتماد انسان‌ها به یک دیگر را اعتماد انسان‌ها به نشانه‌های نمادین (پول) معرفی می‌کند و فرایند گسترش اقتصاد پولی رشد عقلانیت و محاسبه‌گیری افراد شهرنشین و در نهایت کاهش تمایل‌های انسان‌گرایانه را از عوارض رویش چنین وضعیتی می‌داند. صنعت، علم و محصولات مختلف آن در شهرهای جدید گوناگونی‌های فراوانی را موجب گشته‌اند. این گوناگونی لزوماً به سود آرمان بشری، شکوفایی روانی و عقلانی تداوم نیافته است بلکه در نقطه‌ی مقابل، کلان شهرهای مدرن به مراکز عمده فزون طلبی اقتصادی، رقابت‌های اجتماعی، انزوای بیشتر شهرنشینان و سرانجام انحطاط اخلاق انسانی تحول یافته‌اند.

زیملا اصولاً شهرهای بزرگ را محیط‌هایی می‌داند که محرک‌های بسیار متنوعی برای انسان ایجاد می‌نماید که هیچ فردی نمی‌تواند به تنهایی به همهی آنها پاسخ گو باشد. بنابراین به دلیل تنوع محرک‌های محیط شهری فرد شهر نشین به آگاهی و تیزهوشی بیشتری نیاز دارد و بلاهت و سادگی روستایی در این مسابقه عقب می‌ماند. فرد شهری با مغز خود به محرک‌های بیشمار زندگی شهری پاسخ می‌دهد و نه با قلب خویش. تفاوت دیگر این که کلان شهر ماهیتاً جایگاه اقتصاد پولی است و همین ویژگی موجب می‌شود که انسان شهرنشین دیدگاه خاص و مستقلی نسبت به اطرافیان خود پیدا کند. از نظر او گستره‌ی وسیع کارکردی شهرهای بزرگ بر محور تقسیم کار استوار است و بر همین اساس در جامعه‌ی شهری بزرگ چه بودن مهم است و نه که بودن. حاصل چنین وضعیتی البته این است که فرصت‌های شهرنشینان برای ایجاد تماس‌های نزدیک و عاطفی با دیگران بسیار کم و خود محوری هدف و موضوع زندگی افراد می‌شود. انسان کلان شهری باید خصوصیات فردی خود را طوری بزرگ جلوه دهد که اقلان در میان انبوه عظیم دیگر شهریان نمایشی داشته باشد (صدیق سروستانی به نقل از زیملا، ۱۹۶۹: ۵۸-۵۶).

دیدگاه زیملا از آن جهت که او تمایز بین دو ویژگی عمده‌ی زندگی شهری سازنده‌ی رفتار انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. نخست انبوهی و محیط اجتماعی آشفته شهری سبب می‌گردد که مردم در برخورد با یکدیگر تجدید نظر کرده و بسیاری از مسائلی را که در اطراف آنها می‌گذرد مورد اغماض قرار دهند. دومین ویژگی تکامل دهنده محیط شهری افزایش انگیزه‌های انسانی در درخواست از سود و منفعت بوده است (ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۱۷).

زیملا در فلسفه پول اشاره می‌کند که به دلیل تقسیم کار پیشرفته و تخصصی شدن در شهرها جامعه نیازمند یک وسیله‌ی جهانی داد و ستد است که این کارکرد را پول انجام می‌دهد. سیطره‌ی پول ناشی از وجود روحیه حسابگری و ریاضیات در شهرهاست. او سیطره‌ی پول بر زندگی و تفوق فرهنگ عینی و جمعی را بر فرهنگ ذهنی و شخصی را عامل از خود بیگانگی و تراژدی فرهنگی می‌داند.

فردگرایی و کاهش پیوند اجتماعی در شهر: امیل دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸)

دورکیم نیز هم چون بسیاری دیگر از اندیشمندان دوره مدرن علاقمند به مطالعه و تبیین تغییرات و تطورات اجتماعی در سطح کلان جامعه جدید و نیز در حوزه افزایش انبوهی مسائل و مشکلات در محیط‌های اجتماعی نوین یعنی شهرها است.

با اتخاذ موضعی تکاملی دورکیم به مطالعه تطور جوامع نوین پرداخته است. به نظر او در مراحل اولیه تکامل، اجتماعات غالباً تحت انسجام مکانیکی^۱ ثبات و قوام دارند. در این نوع جوامع حداقل تقسیم کار اجتماعی و تخصص دیده می‌شود و روابط انسانی بر اساس اشتراک افراد در ارزش‌های سنتی و بنیادی فامیلی - مذهبی استوار است. تدریجاً تقسیم کار اجتماعی توسعه می‌یابد و تخصص‌ها شکل می‌گیرند و نوع روابط انسانی تغییر می‌کند و در نتیجه انسجام اجتماعی بر اساس همبستگی و وابستگی متقابل که دورکیم آن را انسجام اندام واره^۲ می‌نامد تحقق می‌یابد (آرون، ۱۳۶۴).

دورکیم معتقد است که غالب جوامع انسانی در تاریخ از نظر انسجام اجتماعی از نوع مکانیکی بوده و وجدان و روح جمعی در آن‌ها بشدت اسقرار و استمرار داشته است. فن آوری همراه با صنعتی شدن در برخی از جوامع بشری تدریجاً چهره این جوامع را از نقطه نظر ساختاری تغییر داد و تقسیم کار اجتماعی در اثر تخصصی شدن امور نه تنها لزوم توجه به سیستم ارزشی و هنجاری نو و تجدید نظر در داورها و ارزش‌های سنتی و روح جمعی را طلب کرد بلکه منجر به متنوع شدن فعالیت‌های انسانی در اجتماع شد. نتیجتاً نظام اجتماعی و اخلاقی جدیدی مبتنی بر منافع و ارزش‌های متعدد و تفکیک شده همراه با نقش‌های مرتبط و در عین حال دارای وابستگی درونی در کارکرد^۳ شکل گرفت. یکی از اهداف عمده دورکیم این بود که تأثیرات تقسیم کار اجتماعی را بر زندگی طبیعی و جمعی را در محیط‌های جدید که همانا کلان شهرها هستند نشان دهد علی‌رغم توجه او به چگونگی انتقال اجتماعات از حالت انسجام مکانیکی به اندام واره‌ای، وی از چنین تغییری خشنود نیست. به نظر دورکیم انسجام اندام واره‌ای دارای ضعف درونی ذاتی عمده‌ای است که همان تزلزل و بی‌ثباتی آن است. چه در وضعیت اندام واره‌ای جامعه‌ها حالتی از زوال و از دست دادن همبستگی، یکپارچگی، اعتماد و پیوندهای عاطفی و احساسی فیما بین اعضا جامعه را تجزیه کرده و نوعی تزلزل در ارکان آن‌ها مشاهده می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۳).

دورکیم علت چنین تزلزلی را واضح و بدیهی می‌داند. او معتقد است که انتقال جامعه از حالت انسجام مکانیکی به انسجام ارگانیکی سبب می‌شود که جامعه دچار نوعی عدم انتظام و بی‌نظمی گردد و با وسعت گرفتن تقسیم کار، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تدریجاً ناپدید گشته و در عوض منافع منفرد و متنوع و تفکیک شده فردی همراه با احساس پریشانی و گمگشتگی ظاهر گردد که آن اشاره به نوعی حالت اختلال، اغتشاش، گسستگی و بی‌هنجاری در نظام جمعی دارد. او بی‌هنجاری را به مفهوم فقدان اجماع بین فرد و جامعه درباره اهداف،

1. Mechanical Solidarity
2. Functional Interdependence

اجتماع و انتظارات جمعی و آن چه جامعه به عنوان الگوهای رفتاری برای اعضاء خود متصور شده است به کار می‌برد. چه هر جامعه ای اهدافی را ارزش داده از اعضای خود این انتظار را دارد که رفتاری مطابق با هنجارهای مقرر به نسبت به هدف مورد نظر اتخاذ نماید (ممتاز، ۱۳۸۳).

به نظر دورکیم فقدان اجماع بین فرد و جامعه در این زمینه منجر به محو و غیبت تدریجی اتوریته و ضابطه‌ی اخلاقی گردیده و جامعه مدیریت اخلاقی مؤثر و کنترل اجتماعی لازم را بر فرد از دست می‌دهد و فرد نیز متقابلاً به سیستم هنجاری اجتماع بی‌اعتناست. ثبات اجتماعی از نظر او برخاسته از قواعد اخلاقی و نحوه‌ی مدیریت صحیح اجتماعی و منوط به چگونگی اعمال کنترل بر اعضاء جامعه است. فقدان چنین ضابطه‌ی کنترلی و مدیریت اخلاقی در بروز بی‌هنجاری اجتماعی در هر دو سطح فردی و اجتماعی و نیز عدم تشکل گروهی و اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند.

در بررسی از ظهور شرایط جدید در محیط‌های بزرگ اجتماعی جدید یعنی کلان شهرها دورکیم به طرح ناهنجاری در ابعاد مختلف بویژه در سطح فردی می‌پردازد. ناهنجاری در سطح فردی یا آنومی نوعی احساس فردی از بی‌هنجاری است و نشانگر حالتی فکری که در آن احساسات فرد با توجه به سیستم اجتماعی سنجیده می‌شود. زمانی که توازن اجتماعی وجود ندارد فرد فاقد وسیله لازم جهت تنظیم رفتار خود و تطبیق آنی با معیارهای اجتماعی مقرر و نیز فاقد احساس حمایت جمعی و پشتیبانی اجتماعی است. در چنین حالتی فرد ممکن است دست به رفتارهای نابهنجار زده و در نهایت خود را از عضویت جامعه خلع کند.

شهرگرایی به عنوان سبک زندگی: لوئیس ورت (۱۹۵۲-۱۸۹۷)

مقاله‌ی «شهر نشینی به منزله سبک زندگی» لوئیس ویرث در امریکا که در سال ۱۹۳۸ در اوج شکوفایی فرهنگ شهرنشینی و رویکرد شهرگرایی در شهرهای بزرگ این کشور منتشر شد. این نوشته مؤثرترین منبع جامعه شناختی تحلیلی مکتوب در این خصوص تلقی می‌شود. او در این مقاله الگوی نظری- تحقیقی جدیدی را برای بررسی از چگونگی تولید اشکال کنش متقابل اجتماعی در شهرها، متفاوت با مناطق روستایی و تشخیص و تمایز سبک‌های زندگی شهری و روستایی به کار گرفته است.

« ویرث » تلاش دارد تا با متمایز و مشخص کردن سه متغیر مهم (اندازه، تراکم و ناهمگونی) که می‌توان آن‌ها را متغیرهای علی زندگی فرهنگی شهر تلقی نمود، فرهنگ شهری را مورد مطالعه قرار دهد. مفاهیم فوق برای استحکام بخشیدن به مطالعه فرهنگ شهری در مقایسه با فرهنگ روستایی از نظر او بهتر قابل درک می‌باشند. استدلال اساسی « ویرث » این است که

ویژگی زندگی شهری، انزوا و بی‌سازمانی اجتماعی است، بدین علت که همه‌ی شهرها، بزرگ، متراکم و ناهمگون هستند. به نظر او زندگی شهری هویت‌های اجتماعی قدرتمند را نابود کرده است. ورث آشکارا در مورد زندگی شهرنشینان بدبین است. او شهر را به اسیدی تشبیه می‌کند که بتدریج ارزش‌های سنتی را خواهد خورد. او به امکان آزادی بیشتر در شهر معترف است. اما معتقد است که نهایتاً این آزادی‌ها جای خود را به نابسامانی می‌دهد (ورث، ۱۹۸۳: ۳).

در نتیجه چنین عواملی ساکنین شهرها وجهه نظر و نشانه‌های شهری را به خود می‌گیرند و مادی می‌شوند و خود را از نشانه‌های معنویت جدا می‌سازند. بطوری که اکثر افراد شهرنشین احساس تنهایی، آزدگی و دلزدگی می‌کنند و دارای تنش‌های عصبی هستند. به خاطر تنوع در شهرها، عدم ثبات و امنیت جزئی از نقش‌ها و فعالیت‌های آنان می‌شود و بنا به این دلایل ورث معتقد است که وجود بی‌سازمانی در شخصیت‌ها، بیماری روانی، خودکشی، جرم و جنایت، فساد و بی‌نظمی در شهرها به مراتب بیش از روستاها امکان بروز پیدا می‌کند (واگو، ۱۳۷۳: ۱۷۲).

خلاصه مبادی نظری و معرفی مدل عملیاتی تحقیق

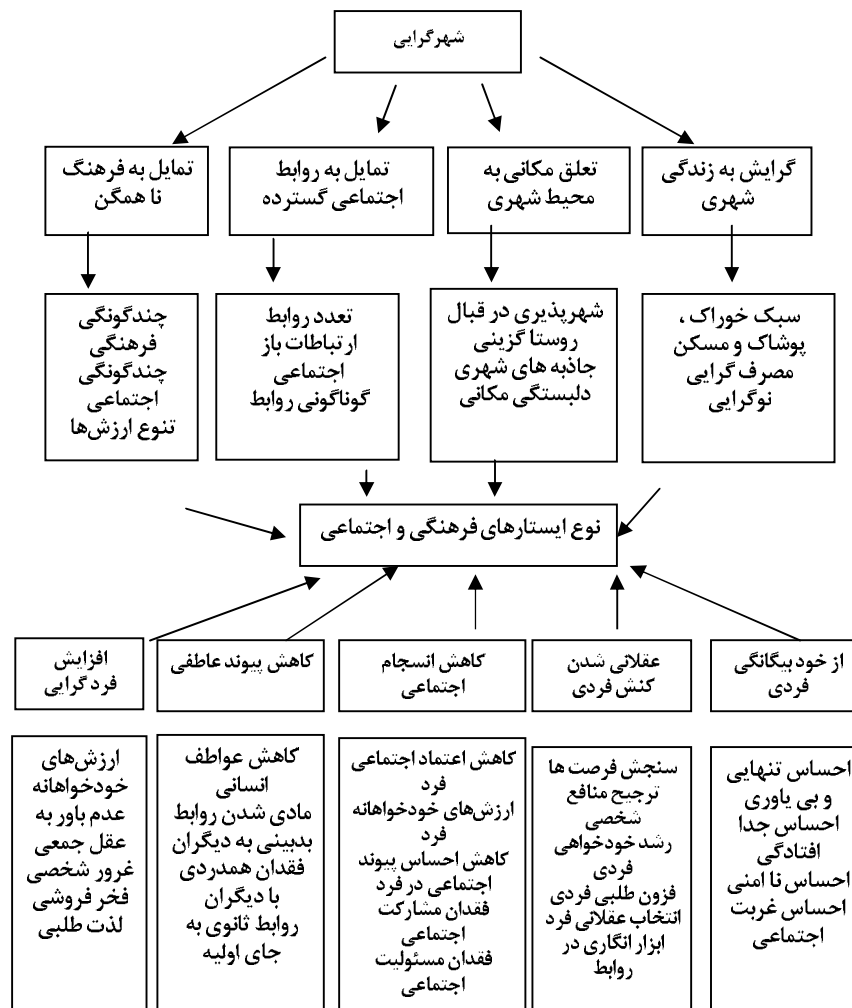
در ادبیات جامعه‌شناسی شهری فرایند شهرگرایی پدیده‌ای است که با ظهور کلان شهرهای مدرن علائم و نشانه‌های آسیب شناختی فراوان اجتماعی فراوانی را از خود برجا گذارده است. بازخوانی بررسی‌های جامعه‌شناسان اولیه در تحلیل از شرایط ظهور و گسترش شهرنشینی و آن‌گاه به عینیت درآمدن ارزش‌ها و هنجارهای نوین در رفتار و سلوک شهرنشینان مبین شکل‌گیری پدیده شهرگرایی است. گذشته از نتیجه مستقیم شهرگرایی که همانا مهاجرت گسترده روستانشینان به مراکز شهری است انگاره‌ها و الگوهای نهادینه شهرگرایی خود منجر به بازتولید نگرش و انگاره پیشین مهاجرین انبوه شهری شده است. نویسندگان شهری مورد اشاره در این تحقیق هر یک از زاویه خاص فلسفه ظهور جامعه مدرن و در نتیجه شکل‌گیری شهر مدرن، جامعه شناختی ماهیت و ویژگی‌های جامعه جدید و فضاهای جغرافیایی آن و نیز چگونگی ترتیبات فضاهای اجتماعی - مکانی به گونه‌ای مستقیم و یا غیر مستقیم به تحلیل زنده از فرایند شهر و شهرگرایی پرداخته‌اند. در این راستا انتخاب نظریه کلان شهر و مشکلات روانی (ذهنی) زیمیل، فردگرایی و کاهش همبستگی اجتماعی دورکیم، شهرگرایی به عنوان سبک نوین زندگی لوئیس ورث زمینه‌های ممکن تبیین نظری مسائل اصلی مورد نظر در این تحقیق را روشن و امکان ساخت مفاهیم و متغیرهای فرضی را فراهم ساخته است.

مدل تحلیلی تحقیق برآمده از مبانی نظری است که کلیات بیشتر آن در بخش پیشین مورد مطالعه قرار گرفت. در واقع انتخاب مفاهیم و متغیرهای مورد سنجش (حسب مدل عملیاتی

تحقیق) در فرایند عملیات پژوهشی در این تحقیق با برخورداری از حداقل پشتوانه معرفتی مورد بحث شرایط کافی را جهت ورود به قلمرو انجام پیمایش مورد نظر میسر می‌گرداند. بطور خلاصه متغیرهای حاضر در مدل عملیاتی تحقیق از نوع استنتاجی و بطور مستقیم و غیرمستقیم برخاسته از مبادی نظری مورد بحث شده است.

فرضیه‌های برآمده از مبادی نظری و معطوف به مدل عملیات پژوهش

- میان شهرگرایی افراد و از خودبیگانگی آن‌ها در محیط شهری رابطه احتمالی وجود دارد.
- میان شهرگرایی افراد و کاهش پیوند اجتماعی آن‌ها رابطه احتمالی وجود دارد.
- میان شهرگرایی افراد و افزایش فردگرایی آن‌ها رابطه احتمالی وجود دارد.
- میان شهرگرایی افراد و افزایش کنش عقلانی آن‌ها رابطه احتمالی وجود دارد.
- بین شهرگرایی افراد و کاهش پیوند عاطفی آن‌ها رابطه احتمالی وجود دارد.



مدل شماره ۱، عملیات پژوهش پیرامون تاثیر شهرگرایی بر ایستار فرهنگی و اجتماعی شهروندان

جدول شماره ۱ تعریف عملیاتی و نوع سنجش متغیر شهرگرایی

مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها	سطح سنجش
شهرگرایی	گرایش به زندگی شهری	من دوست دارم که بیشتر در خارج از منزل از غذاهای متنوع استفاده کنم.	رتبه‌ای
		شیوه زندگی شهری از نظر رفاه و برخورداری به مراتب بهتر از زندگی در محیط غیر شهری است.	رتبه‌ای
		من ترجیح می‌دهم از مراکز مد و پاساژهای لوکس برای تهیه لباس استفاده کنم.	رتبه‌ای
		یکی از جاذبه‌های محیط شهری استفاده از مواد مصرفی از جمله پوشاک و غذاهای متنوع است.	رتبه‌ای
		من افرادی را که سبک و روش‌های جدید زندگی را انتخاب می‌کنند تأیید می‌کنم.	رتبه‌ای
	تعلق مکانی به محیط شهر	به هیچ عنوان شهر را با غیر شهر عوض نمی‌کنم.	رتبه‌ای
		به نظر می‌رسد ما در مرحله پایان روستا نشینی هستیم.	رتبه‌ای
		به هیچ عنوان حاضر نیستم از این شهر به جای دیگری بروم.	رتبه‌ای
		زندگی در شهر جزئی از هویت اجتماعی و شخصی من است.	رتبه‌ای
		میزان رضایت از زندگی در محیط اجتماعی بزرگ شهری.	رتبه‌ای
	تمایل به روابط اجتماعی گسترده	من ترجیح می‌دهم با افرادی که در موقعیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فکری و... هستند ارتباط دوستانه داشته باشم	رتبه‌ای
		من روابط خودم را تنها به محیط کار و خانواده محدود نمی‌کنم	رتبه‌ای
		از داشتن رابطه جمعی با دوستان و سفرهای دسته جمعی احساس لذت می‌کنم	رتبه‌ای
		از ملاقات با طبقات مختلف اجتماعی احساس لذت می‌کنم	رتبه‌ای
	تمایل به فرهنگ ناممکن	یکی از تجربه‌های من در زندگی شهری، آشنائی با فرهنگها و سلیق مختلف در افراد است.	رتبه‌ای
		در شهر فرد با شیوه‌های مختلف زندگی اجتماعی در تماس و ارتباط است و این برای کیفیت زندگی فردی خوب است.	رتبه‌ای
		در شهر افراد دارای ارزشها و عقاید مختلفند.	رتبه‌ای
		من دوست دارم با کسانی که معاشرت می‌کنم از هر لحاظ شبیه هم باشند	رتبه‌ای

جدول شماره ۲ تعریف عملیاتی و نوع سنجش متغیر ایستارهای اجتماعی-فرهنگی

مفهوم	ابعاد	شاخص‌ها	سطح سنجش
ایستار اجتماعی-فرهنگی	۱- خود بینگاری فردی	احساس می‌کنم فرد ارزشمند و مفیدی نیستم.	رتبه‌ای
		بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم هیچ کاری را نمی‌توانم به خوبی انجام دهم.	رتبه‌ای
		احساس می‌کنم کسی در محیط شهری به درد من نمی‌خورد.	رتبه‌ای
		افراد در شهر کمتر به فکر یکدیگر هستند.	رتبه‌ای
	۲- کمتر با افراد در شهر ارتباط عمیق دارم.	کمتر با افراد در شهر ارتباط عمیق دارم.	رتبه‌ای
		من فقط به کسانی کمک می‌کنم که بدانم یک روز به من کمک می‌کنند	رتبه‌ای
		انسان باید از نقاط ضعف دیگران برای رسیدن به هدف‌های شخصی‌اش استفاده کند	رتبه‌ای
		در این روزها باید از هر فرصتی به نفع خود و خانواده استفاده کرد	رتبه‌ای
	عقلانی‌شدن کنش فردی	در زندگی چه کسی به من کمک کرده که من بخواهم به دیگران کمک کنم	رتبه‌ای
		افراد در شهر بر اساس منافع خاص خود با هم در ارتباطند.	رتبه‌ای
		من سعی می‌کنم در روابطم با دیگران ناشناخته و گمنام باشم	رتبه‌ای
		من ترجیح می‌دهم در انجام معاملات و امور زندگی با کسی شریک نشوم	رتبه‌ای
	کاهش پیوند اجتماعی	این روزها اگر گرفتاری برای آدم پیش بیاید، هستند کسانی که کمک کنند	رتبه‌ای
		اگر خدایی نکرده تصادفی یا اتفاقی بیفتد، کسی به داد آدم نمی‌رسد	رتبه‌ای
		محیط شهر باعث ضعیف شدن پیوندهای اجتماعی است.	رتبه‌ای
		روابط در شهر بسیار سطحی است.	رتبه‌ای
	کاهش پیوند عاطفی	روابط عمیق عاطفی در شهر احساس نمی‌شود.	رتبه‌ای
		در شهر معمولاً پول و قدرت حرف اول را می‌زند.	رتبه‌ای
		مادیات در روابط زندگی مردم در شهر نقش اصلی دارد.	رتبه‌ای
		امروزه افراد در زندگی شهری احساس ترس در رویارویی با دنیای ناشناخته شهری را دارند.	رتبه‌ای
افزایش فرد گرایی	امروزه حس رقابت و منفعت طلبی متقابل بین ساکنین شهری افزایش یافته است	رتبه‌ای	
	به نظر من شخصیت افراد در شهر سرد و حسابگرانه است	رتبه‌ای	
	انسان باید در زندگی از فرصت‌ها برای خود استفاده کند.	رتبه‌ای	
	من هیچوقت حاضر نیستم به خاطر اشتباهم از دیگری عذر خواهی کنم	رتبه‌ای	
		ترجیح اول من تأمین خواسته‌های خودم است.	رتبه‌ای

روش تحقیق، واحد تحلیل و نحوه گردآوری داده‌ها

روش مطالعه‌ی موضوع فوق پیمایش و واحد تحلیل مورد بررسی افراد ساکن در مناطق مختلف شهر تهران می‌باشند. از پرسشنامه ساختمندی به منظور گردآوری داده‌ها استفاده شده است. گویه‌های مورد پرسش در سه دسته (طیف) تقسیم شده‌اند.

دسته اول گویه‌های مرتبط با ویژگی‌های جمعیت شناختی که شامل: مشخصات فردی و وضعیت عمومی پاسخگویان است. این نوع سؤالات به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق در بررسی از جنسیت، سن، وضع تاهل و... به پاسخ‌گویان داده شده است.

دسته دوم سؤالات و گویه‌های مرتبط با وضعیت شهرگرایی ساکنین در شهر تهران است. با استفاده از مبادی نظری تعدادی از شاخص‌ها و معرفیها به منظور تعریف و نیز سنجش لازم متغیر مستقل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. کارکرد عمده این نوع شاخص سازی تفکیک دو متغیر بسیار نزدیک تحقیق از یک دیگر است. بدین ترتیب متغیر تأثیرگذار تحقیق یعنی شهرگرایی شرایط متفاوتی را از متغیر وابسته یعنی ایستارهای فرهنگی و اجتماعی شهروندان و یا شهرگرایی بازتولید شده در بررسی از فرایند ارتباط این دو مقوله فراهم می‌گرداند. شاخص‌ها و معرفی‌های سنجش وضعیت شهرگرایی در مفهوم کلی و عام شامل: گرایش به زندگی شهری، تعلق مکانی به محیط شهری، تمایل به روابط اجتماعی گسترده و تمایل به فرهنگ ناهمگن همراه با زیر مجموعه‌های مفهومی آن است. شاخص‌هایی فوق برآیندی از هسته اصلی نظریه‌ای جامعه شناسان کلاسیک شهری به شرحی است که در بخش گذشته مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت گویه‌های متناسب و قابل اجراء در جهت ارزیابی و سنجش با مقیاس ترتیبی به منظور شناخت درجه و سطح همبستگی ساکنین با شرایط شهرگرایی تعریف شده طراحی و مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در گروه سوم سؤالاتی قرار گرفته‌اند که متغیر وابسته تحقیق یعنی نوع ایستار فرهنگی و اجتماعی ساکنین و درجه پیوستگی با گویه‌های آزمون پذیر متغیر فوق را مورد سنجش قرار می‌دهد. سنجش نگرش یا ایستار افراد نیز پاسخ‌گو یعنی ساکنین شهری در دو بعد شناختی - احساسی و رفتاری مورد توجه قرار گرفته و نوع سؤالات مرتبط با آن نیز با استفاده از مفاهیم و شاخص‌های برساخته در ادبیات شهری و اجتماعی شناسایی و طراحی شده است. بدین منظور شاخص‌های از خودبیگانگی فردی، عقلانی شدن کنش فردی، کاهش پیوند عاطفی و کاهش پیوند اجتماعی در مرحله دوم به عنوان فرایند بازتولید شده شهرگرایی در قالب ظهور نوعی نگرش، احساس و رفتار در فرد شهرنشین مورد سنجش و بررسی قرار گرفته‌اند. هر یک از شاخص‌های فوق در مرحله بعد به موارد و مقوله‌های کوچکتر که قابلیت تبدیل به گویه‌های مورد سنجش داشته‌اند تقسیم شده‌اند. به روال مرسوم کلیه پاسخ‌های به

دست آمده با استفاده از روش ایندکس کدگذاری و وارد سیستم تحلیل داده‌ها در رایانه شدند. در سنجش و تعیین سطح و نیز درجه پیوستگی و نیز تأثیرگذاری دو متغیر کلیدی شهرگرایی و ایستار فرهنگی و اجتماعی از طیف شناخته شده لیکرت استفاده شده است.

در مجموع ۱۲۰ گویه در پرسشنامه تحقیق طراحی شده‌اند. پرسشنامه پس از انجام آزمون اولیه و اعمال اصلاحات لازم با استفاده از ضرایب آلفا مورد ارزیابی و اعتبار سنجی قرار گرفت. در مجموع سطح ۷۲٪ حاصل از روایی گویه‌ها در بخش متغیرهای مستقل و نیز ۷۶٪ در سطح سنجش اعتبار و ارزش شاخص‌های تعریف شده متغیر وابسته مبین روایی و اعتبار گویه‌های تعیین شده در این تحقیق است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها با توجه به نوع سؤالات، فرضیه‌های برآمده از مدل تحقیق، سطوح سنجش^۱ و نوع آزمون فراوانی‌های حاصل در بررسی میدانی تحقیق ارتباط دارد (ساعی، ۱۳۸۶). چرا که هر روش آماری داده‌هایی را در سطح معینی اندازه‌گیری و مورد سنجش قرار می‌دهد. با توجه به این نکته و لحاظ قرار دادن تعداد متغیرهای تحقیق، سطوح سنجش هر یک بررسی و نسبت به استفاده از داده‌ها برای تحلیل توصیفی یا استنباطی اقدام شده است. تهیه جداول فراوانی، درصد نسبی، درصد متغیرها، میانگین و انحراف معیار از جمله ابزارهای تعیین وضعیت فراوانی و چگونگی توزیع آن بوده است که در این پیمایش مورد استفاده قرار گرفته است. برای بررسی ارتباط میان متغیرهایی که در سطوح اسمی قرار دارند از آزمون‌های آماری مجذور کای دو^۲ کرامر وی و فی استفاده شده است. در قبال متغیرهایی که سطح سنجش آن‌ها ترتیبی ترتیبی بوده است روش آزمون آماری کندال بکار گرفته شده است. در مواردی که متغیرهای تحقیق به صورت فاصله‌ای و نسبی بوده‌اند از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده شده است. اضافه می‌شود که برای بررسی رابطه معناداری بین متغیرها از تحلیل واریانس و آزمون t استفاده و در نهایت برای شناخت میزان تأثیر دامنه متغیرها از تحلیل چند متغیره توانسته است تعیین رابطه معنی‌داری بنماید.

جمعیت و حجم نمونه آماری

با توجه به حجم نمونه آماری در این بررسی لازم می‌آمد که از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی استفاده شود. انتخاب تصادفی این امکان را فراهم می‌گردانید که نمونه‌های برگزیده بطور نسبی

1. Level of Measurement
2. chi- square

معرف جامعه مورد نظر در شهر تهران باشد. البته قبل از ورود به مرحله انتخاب تصادفی ابتدا جمعیت مورد مطالعه بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. بر حسب نظر دواس در این روش کسب نمونه‌ی نهایی متضمن انتخاب چند نمونه‌ی مختلف است که در آن ابتدا محدوده‌ی مورد نظر تحقیق، به چند خوشه تقسیم می‌شود و سپس به تدریج از خوشه‌های انتخابی، خوشه‌های کوچکتری نمونه‌گیری می‌شود که در نهایت، کار به انتخاب نمونه‌ای از خانوارها و سپس افراد مورد نظر می‌رسد (دواس، ۱۳۸۳: ۷۴). بر این اساس ابتدا مناطقی از کل مناطق موجود در شهر تهران به منظور نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین جهت ابتدا پنج منطقه از مناطق عمده شهر تهران که به لحاظ موقعیت متفاوت اقتصادی و اجتماعی تا حد قابل ملاحظه‌ای از یکدیگر متفاوت بوده‌اند انتخاب شدند. این مناطق عبارت بودند از منطقه ۲ (در شمال تهران)، منطقه ۶ (در غرب تهران منطقه ۸ (در شرق تهران)، منطقه ۱۲ (در مرکز تهران) و منطقه ۱۶ (در جنوب تهران) و سپس از هر منطقه‌ی بزرگ، ناحیه کوچکتری نمونه‌گیری و در نهایت کار به انتخاب نمونه‌های تصادفی از خانوارهای پاسخ‌گو منتهی گردید. در این شیوه تلاش شده است نمونه‌های منتخب به گونه‌ای کاملاً تصادفی از جمعیت مورد توصیف برگزیده و پرسشنامه جهت تکمیل در اختیار آنان گذارده شود.

خصوصیت سنی جامعه آماری در این تحقیق افراد ۶۰-۲۰ ساله‌ی شهر تهران در بین زنان و مردانی از خانوارها است که حداقل زمان اقامت و زندگی آن‌ها در شهر تهران بیست سال بوده باشد. چرا که فرض بر آن بوده است افراد پاسخگوی ساکن در این مدت زمانی به اندازه کافی با شهر و شیوه و سلوک زندگی شهری تجانس کافی را یافته و قادر به اظهار واقع بینانه از شیوه فرهنگی و اجتماعی زندگی در این شهر می‌باشند. با استفاده از فرمول متعارف و شناخته شده کوکران با احتساب ضریب خطای قابل قبول ۵٪- و با حداقل درجه اطمینان ۵٪ تعداد تعداد ۳۹۰ نفر از کل جمعیت پاسخ‌گو در مناطق مزبور انتخاب شدند. لازم به توضیح است که میزان جمعیت نمونه در مناطق مختلف با توجه به فراوانی و حجم پراکندگی جمعیت با استفاده از تناسب در صدی بر اساس تعداد خانوارها تعیین شدند. جدول ذیل حجم و میزان نمونه منتخب در هر منطقه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳ حجم و میزان نمونه منتخب در مناطق شهری تهران

t	P	d	منطقه						جمع	جمعیت سال ۲۰-۶۰
			n	منطقه ۱۶	منطقه ۱۲	منطقه ۸	منطقه ۶	منطقه ۲		
۲	٪۰.۵	٪۰.۵	۳۹۰	۱۵۷۸۷۶	۱۳۳۴۸۹	۲۰۹۱۰۱	۱۲۸۲۱۱	۳۵۳۶۰۵	۹۸۲۲۸۲	
			۶۴	۵۴	۸۵	۵۲	۱۵۰	۴۰۰	حجم نمونه	

محاسبه عملیات انتخاب جمعیت نمونه بر اساس فرمول کوکران بدین گونه بوده است.

$N =$ جمعیت آماری $T =$ ضریب اطمینان ۰.۹۵ برابر $۱/۹۶$
 $d =$ دقت احتمالی مطلوب که نصف فاصله اطمینان است.
 فاصله‌ی اطمینان p در تحقیق ۰.۱۰ ٪ در نظر گرفته شده، پس دقت احتمالی مطلوب ۰.۵ ٪ محاسبه شده است.

سطح یافته‌های توصیفی جامعه آماری

تعداد نمونه‌های منتخب در این بررسی تقریباً ۴۰۰ نفر بوده است که تعداد ۱۰ پرسشنامه دریافت شده به دلیل مخدوش بودن کنار گذاشته شدند و در نهایت ۳۹۰ عدد از آن مورد استخراج و ارزیابی قرار گرفته است. پس از داده‌گذاری و استخراج پاسخ‌ها نتایج توصیفی حاصل از تحلیل آماره‌ها نشان می‌دهد که از کل نمونه ۳۹۰ نفری، تعداد ۲۰۴ نفر برابر با ۰.۵۲ ٪ را مردان و ۱۸۶ نفر یعنی ۰.۴۷ ٪ از جمعیت مورد بررسی را زنان شامل می‌گردد.

بنابراین در این بررسی تعداد مردان نزدیک به ۰.۴ ٪ بیش از زنان می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که تعداد ۲۸۰ نفر یعنی ۰.۷۱ ٪ درصد از جمعیت متأهل و تعداد ۱۰۶ نفر که برابر با ۰.۲۷ ٪ است را افراد مجرد تشکیل می‌دهند. ۰.۱ ٪ از جمعیت مورد مطالعه کسانی هستند که جدا از همسر زندگی می‌کنند. این در حالی است که ۰.۷۳ ٪ از زنان متأهل و ۰.۲۶ ٪ مجرد و ۰.۱ ٪ از زنان نیز از همسر خود جدا شده‌اند. در مجموع اکثریت افراد جمعیت مورد بررسی را متاهلین شامل می‌گردد.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که تعداد ۱۴۵ نفر یعنی ۰.۳۷ ٪ دارای مشاغل دولتی، ۲۱۸ نفر یعنی ۰.۵۵ ٪ به شغل آزاد اشتغال داشته‌اند و ۶ نفر برابر با ۰.۰۱۵ ٪ از نوع مشاغل نیمه‌رسمی را پاسخ داده‌اند. در بررسی از جمعیت مورد مطالعه مشخص شد که تنها ۲۱ نفر یعنی ۰.۰۵ ٪ از پاسخگویان در هنگام پاسخگویی به هیچ کاری اشتغال ندارند. در مجموع ۰.۹۳ ٪ از جمعیت مورد مطالعه به نوعی اشتغال داشته‌اند. ۴۵ در بررسی از وضعیت تحصیل مشخص شد که تعداد ۵۴ نفر یعنی ۰.۱۱ ٪ زیردیپلم، ۸۱ نفر یعنی ۰.۲۰ ٪ دیپلم، و تعداد ۸۱ نفر که مساوی است با ۰.۲۰ ٪ فوق دیپلم و نیز ۱۳۴ نفر یعنی ۰.۳۴ ٪ از آن‌ها لیسانس و ۴۷ نفر دیگر (۰.۱۲ ٪) در مقطع فوق لیسانس و بالاتر تحصیل کرده‌اند. بدین ترتیب بیشترین جمعیت پاسخگو در این تحقیق از میان افرادی است که حداقل در یک مقطع فارغ التحصیل تلقی می‌شوند. بیشترین توزیع فراوانی در فاصله‌ی سنی ۲۸ تا ۳۷ سال قرار داشته‌اند.

حدود ۰.۷۰ ٪ از افراد مورد بررسی به شهرگرایی پاسخ تاحدودی و ۰.۳۰ ٪ از افراد موافقت خود را با شهرگرایی بیان داشته‌اند. در سایر متغیرهای وابسته نیز بیشتر افراد گزینه‌ی تاحدودی را بیان داشته‌اند. پاسخگویان کاهش پیوندهای عاطفی و فردگرایی در شهر به ترتیب ۰.۵۰ و ۰.۵۸ .

۵٪ تاحدودی و ۲.۴۹ و ۵.۴۱٪، موافقت خود را با گزینه‌ها اعلام داشته‌اند. در رابطه با متغیرهای زمینه‌ای بین شهرگرایی و درآمد رابطه معناداری وجود ندارد. بین شهرگرایی و سن رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. بین محل تولد و شهرگرایی رابطه وجود دارد به طوری که سطح معناداری ۰/۰۱۳ است. بنابراین بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. یعنی به میزانی که افراد در شهرها زندگی کرده‌اند ویژگی‌های شهرگرایی در آنها قویتر می‌باشد. مقدار F برابر ۴/۳۵۵ است. میانگین شهر تهران ۰.۸۸، ۰.۵۷٪، سایر شهرها ۰.۸۵٪، ۱۵۰ و کسانی که ساکن روستا ۰.۸۰، ۰.۵۵٪ است. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد بین تحصیلات و شهرگرایی رابطه وجود دارد. یعنی هرچه قدر تحصیلات افراد بالاتر باشد میزان شهرگرایی آنها نیز بیشتر است. به طوری که سطح معناداری ۰/۰۰۱ است. بنابراین بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. مقدار F برابر ۵/۰۵۵ است. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد بین وضعیت تأهل و شهرگرایی رابطه وجود دارد به طوری که سطح معناداری ۰/۰۴۷ است. بنابراین رابطه، بین این دو متغیر ارتباط وجود دارد. مقدار F برابر ۳/۰۷۵ است. میانگین متأهل ۰.۸۷، ۵۵۲، مجردها ۰.۸۷، ۱۴۲ و کسانی که جدا از همسر ۰.۷۰، ۳۳۳ است. داده‌ها نشان می‌دهد بین سن و شهرگرایی رابطه وجود ندارد (F= 1.628 و Sig=203) به طوری که سطح معناداری ۰/۱۴۲ است. همچنین اختلاف معناداری بین میانگین شهرگرایی و جنسیت وجود ندارد.

سطح تحلیل میانگین داده‌ها (سنجش همبستگی متغیرها)

۱- شهرگرایی و از خود بیگانگی محیطی

برای بررسی فرضیه رابطه شهرگرایی و از خود بیگانگی با توجه به سطح سنجش دو متغیر که فاصله‌ای است از ضریب همبستگی پیرسون به عنوان آزمون آماری استفاده شده است ضریب همبستگی متغیر مذکور برابر با ۰/۰۷۷- با سطح معناداری ۰/۱۳۳ است. بدین ترتیب معلوم می‌شود که بین شهرگرایی به عنوان متغیر مستقل و از خود بیگانگی افراد در شهر رابطه معنادار و روشنی وجود ندارد.

جدول شماره ۴: ضریب همبستگی فرضیه ۱

شهرگرایی	از خود بیگانگی انسانها در شهر		
شهرگرایی	آزمون پیرسون	۱	-۰,۰۷۷
	سطح معناداری		۰,۱۳۳
از خود بیگانگی فردی	آزمون پیرسون	-۰,۰۷۷	۱
	سطح معناداری	۰,۱۳۳	

۲- شهرگرایی و افزایش کنش عقلانی شهروندان

تحلیل همبستگی میان دو متغیر شهرگرایی و کنش عقلانی در این مطالعه نشان می‌دهد که ضریب همبستگی فوق با ۰/۱۴۱- در سطح معناداری ۰/۰۰۶ مبین رابطه مثبت بین دو متغیر فوق می‌باشد. می‌توان گفت افزایش شهرگرایی زمینه افزایش عقلانی شدن در سطح پاسخگویان را موجب می‌گردد.

جدول شماره ۵: ضریب همبستگی فرضیه ۲

عقلانی شدن کنش فردی در شهر	شهرگرایی		
۰,۱۴۱	۱	آزمون پیرسون	شهرگرایی
۰,۰۰۶		سطح معناداری	
۱	۰,۱۴۱	آزمون پیرسون	عقلانی شدن کنش فردی در شهر
	۰,۰۰۶	سطح معناداری	

۳- شهرگرایی و کاهش پیوند اجتماعی افراد

در بررسی از تبیین رابطه میان دو متغیر شهرگرایی و کاهش پیوند اجتماعی افراد مشخص شد که ضریب همبستگی آن با ۰/۱۵۵ با سطح معناداری ۰/۰۰۲ نشان دهنده رابطه معنی‌دار بین دو متغیر فوق است. بنابراین، بین شهرگرایی به عنوان متغیر مستقل و کاهش انسجام اجتماعی افراد در شهر به عنوان متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد. می‌شود بیان داشت که افزایش شهرگرایی کاهش در پیوند اجتماعی را موجب می‌گردد.

جدول شماره ۶: ضریب همبستگی فرضیه ۳

کاهش انسجام اجتماعی افراد در شهر	شهرگرایی		
۰,۱۵۵	۱	آزمون پیرسون	شهرگرایی
۰,۰۰۲		سطح معناداری	
۱	۰,۱۵۵	آزمون پیرسون	کاهش انسجام اجتماعی افراد در شهر
	۰,۰۰۲	سطح معناداری	

۴- شهرگرایی و کاهش ایستار عاطفی افراد

در بررسی از تعیین رابطه میان موضوع شهرگرایی و کاهش ایستار فرهنگی نتایج نشان می‌دهد که بر خلاف فرض اولیه این رابطه معنی‌دار نمی‌باشد. ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۰۷۹ با سطح معناداری ۰/۱۲۰ است و این میزان از سطح رابطه و معنی‌دار رد فرضیه پیشنهادی در

تحقیق است. می‌باشد که مورد تأیید واقع نشده است. بدین ترتیب معلوم می‌گردد علی‌رغم تمایل و شدت گرایش به شهرگرایی ایستارهای عاطفی در مقوله حمایت معنوی همچنان متغیر قابل بررسی است که ارتباط معنی دار با شهرگرایی ندارد.

جدول شماره ۷: ضریب همبستگی فرضیه ۴

شهرگرایی	کاهش پیوند عاطفی افراد در شهر
آزمون پیرسون	۰,۰۷۹
سطح معناداری	۰,۱۲۰
کاهش پیوند عاطفی	۱
افراد در شهر	۰,۱۲۰

۵- شهرگرایی و افزایش فردگرایی افراد

تحلیل همبستگی بین دو متغیر شهرگرایی و فردگرایی نشان می‌دهد که ضریب همبستگی این دو مقوله $0/238$ با سطح معناداری $0/000$ است که بیان از رابطه معنی دار بین دو متغیر مذکور است. می‌توان گفت با افزایش تمایل و قبول هنجارهای شهرگرایی بر میزان فردگرایی افراد نیز افزوده می‌شود.

جدول شماره ۸: ضریب همبستگی فرضیه ۵

شهرگرایی	فردگرایی در شهر
آزمون پیرسون	۰,۲۳۸
سطح معناداری	۰,۰۰۰
افزایش فردگرایی	۱
در شهر	۰,۰۰۰

سطح تحلیل رگرسیون چند متغیره

هرچند آزمون‌های دو متغیره که برای سنجش صحت و سقم فرضیات پژوهش مورد استفاده ضروری می‌نماید، اما به منظور دستیابی به تصویر روشن‌تری از عوامل مؤثر بر ایستارهای فرهنگی و اجتماعی مبادرت به انجام تحلیل رگرسیون چندگانه می‌شود. برای تحلیل رگرسیونی چندگانه چند روش وجود دارد که در این پژوهش از روش گام به گام استفاده می‌شود. در این روش ابتدا متغیری که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد وارد معادله

می‌شود. دومین متغیری که وارد معادله می‌شود. متغیری است که پس از تفکیک متغیر قبل بیشترین افزایش را در واریانس تبیین شده دارد. برای انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره، با در نظر گرفتن متغیر میزان ایستارهای اجتماعی و فرهنگی به عنوان متغیر وابسته، متغیرهای مستقل شهرگرایی وارد معادله و تحلیل شده‌اند.

برای انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره، با در نظر گرفتن متغیر میزان ایستارهای فرهنگی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل گرایش به زندگی شهری، تعلق مکانی، تمایل به روابط اجتماعی گسترده، تمایل به فرهنگ ناهمگن وارد معادله و تحلیل شده‌اند.

جدول شماره ۹: رگرسیون چند متغیره

گام	نام متغیر	معناداری F	F	R	R2	افزوده شده R2	خطای استاندارد
گام اول	گرایش به زندگی شهری	۰,۰۰	۳۳,۰۶۳	۰,۲۸۲	۰,۰۸۰	۰,۰۷۷	۱۶,۵۹۲
گام دوم	تمایل به روابط اجتماعی گسترده	۰,۰۰	۲۰,۹۹۸	۰,۳۱۵	۰,۰۹۹	۰,۰۹۵	۱۶,۴۳۵
گام سوم	تعلق مکانی	۰,۰۰	۱۵,۷۱۹	۰,۳۳۲	۰,۱۱۰	۰,۱۰۳	۱۶,۳۵۵
گام چهارم	تمایل به فرهنگ ناهمگن	۰,۰۰۰	۱۳,۲۹۰	۰,۴۵۵	۰,۲۰۷	۰,۱۹۲	۱۵,۳۷۷

مقدار Beta که در جدول آمده است نشان می‌دهد که متغیر وارد شده در گام نخست (گرایش به زندگی شهری) با متغیر وابسته همبستگی مثبت و مستقیم داشته، متغیر گام دوم (تمایل به روابط اجتماعی گسترده) با متغیر وابسته همبستگی معکوس و منفی و متغیر گام سوم (تعلق مکانی) با متغیر وابسته همبستگی معکوس و منفی داشته است و متغیر گام چهارم (تمایل به فرهنگ ناهمگن) با متغیر وابسته همبستگی مثبت و مستقیم داشته است.

جدول شماره ۱۰: متغیرهای وارد شده به مدل «ایستارهای اجتماعی- فرهنگی»

متغیر	نام متغیر	B	Beta	T	سطح معناداری
X1	گرایش به زندگی شهری	۰,۹۲۱	۰,۲۸۲	۵,۷۵۰	۰,۰۰
X2	تمایل به روابط اجتماعی گسترده	-۰,۸۸۴	-۰,۱۴۸	-۲,۸۸۱	۰,۰۰۴
X3	تعلق مکانی	-۰,۴۴۸	-۰,۱۲۹	-۲,۱۷۹	۰,۰۳
X4	تمایل به فرهنگ ناهمگن	۰,۹۷۵	۰,۱۳۴	۲,۴۳۷	۰,۰۱۵
	مقدار ثابت	۱۳۲,۲۰		۲۰,۲۰۰	۰,۰۰۰

بنابراین پیش بینی ایستارهای فرهنگی برای جمعیت مورد مطالعه عبارت است از:

$$(X4) (975.0) + (X3) (-448.0) + (X2) (-884.0) + (X1) (921.0) + 20.132 =$$

ایستارهای فرهنگی نتیجه‌ی آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه حاکی از این است که متغیر شهرگرایی وارد مدل شده است و $R^2 = 0.27$ درصد واریانس متغیر ایستارهای اجتماعی و فرهنگی را تبیین کرده است.

خلاصه بررسی و نتیجه‌گیری از تحقیق

تحقیق حاضر بررسی تجربی تأثیر شهرگرایی یا شیوه‌ی زندگی شهرنشینان بر ایستارهای فرهنگی و اجتماعی آنان در کلان شهر تهران است. در چند دهه اخیر شهر تهران با روند رو به رشد شهرنشینی و مهاجرت گسترده از سایر مناطق شهری کوچک و بزرگ روبرو بوده است. به نظر می‌رسد مطالعه پیرامون این موضوع که ساکنان شهر تهران تا چه میزان پذیرای فرهنگ و هنجارهای شهرگرایی شده‌اند و این وضعیت چه تأثیراتی بر نوع ایستارها و نگرش‌های شهروندان داشته است از اهمیت بالایی برخوردار است. در جامعه‌شناسی شهری نظریه‌های گوناگونی در رابطه با شهر، شهرنشینی و شهرگرایی و تأثیر آن بر کنش‌ها، رفتار و نگرش‌های افراد و شیوه‌ی زندگی شهرنشینان مورد بسط و توجه قرار گرفته است. توسعه‌ی شهرنشینی نتایج و تبعات متعددی را همراه داشته و دارد. افزایش امکان برخورداری از رفاه و خدمات اقتصادی، ایجاد فرصت‌های اجتماعی برای تمام گروه‌های جامعه، آزادی عمل و تصمیم در انتخاب شیوه‌ی زندگی. اما دامنه‌ی نتایج تلخ اجتماعی همچون رشد فردگرایی، عدم همبستگی میان ساکنین در شهرها، فقدان درک و احساس مشترک میان آنان، افزایش فاصله‌ی اجتماعی و از خودبیگانگی، امکان توسعه‌ی پایدار زندگی شهری را با دشواری‌های ساختاری روبرو گردانیده است. با توجه به اینکه سلامت روابط و ایستارهای افراد شهرنشین در سلامت اجتماع نقش مهمی دارد گسیختگی این روابط در جامعه‌ی شهری، موجب تضعیف همبستگی اجتماعی می‌شود.

در بخش نتایج اساسی عملیات پژوهشی باید گفت فرضیه‌ی اول از نظریات زیمل استخراج شده است. به اعتقاد زیمل زندگی در کلان شهر و عقلانیت ناشی از آن و همچنین فردگرایی، باعث افزایش میزان از خود بیگانگی می‌شود. برای تأیید یا رد فرضیه فوق با توجه به آزمون آماری اعمال شده ضریب همبستگی این دو متغیر -0.077 با سطح معناداری 0.133 می‌باشد که این رابطه در ایت تحقیق به اثبات نرسیده است. مفروض‌های مختلفی ممکن است عدم رابطه معنی دار بین دو متغیر فوق را مورد تبیین قرار دهد از جمله غلبه خرده فرهنگ هویت آفرینی که بنحوی مانع از گسست شخصیتی در کلان شهر پیچیده ای مانند تهران می‌گردد.

فرضیه دوم نیز که منتج از مبادی نظریه زیمل است در ارتباط با سنجش وضعیت شهرگرایی و تأثیر آن بر ایستار عقلانی افراد ساکن در شهر تهران ثابت شده است. ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۱۴۱ با سطح معناداری ۰/۰۰۶ می‌باشد. بنابراین، بین شهرگرایی به عنوان متغیر مستقل و عقلانی شدن کنش فردی در شهر تهران به عنوان متغیر وابسته رابطه‌ی معناداری وجود دارد. باید بگوییم که هرچه میزان شهرگرایی بیشتر باشد عقلانی شدن کنش فردی در شهر تهران افزایش می‌یابد. این عقلانی شدن دارای دو وجه ایجابی و سلبی (مثبت و منفی است). هم به ساماندهی ایستار و رفتار فرد ساکن در شهر منتهی می‌گردد و هم زمینه‌های محاسبه‌گری‌های منفعت طلبانه و سوداگرانه را فراهم می‌کند.

فرضیه‌ی سوم این پژوهش از نظریه‌های دورکیم و ورث استخراج شده است به نظر دورکیم در وضعیت ارگانیک جوامع حالتی از زوال و از دست دادن همبستگی و یکپارچگی ایجاد می‌شود. اعتماد و پیوندهای عاطفی و احساسی فیما بین اعضا جامعه تجزیه شده و نوعی تزلزل در ارکان جامعه مشاهده می‌گردد و با وسعت گرفتن تقسیم کار، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تدریجاً ناپدید گشته و در عوض منافع منفرد و متنوع و تفکیک شده‌ی فردی همراه با احساس پریشانی و گمگشتگی ظاهر می‌گردد.

از نظر ورث بزرگی یک جامعه باعث محدود شدن روابط اجتماعی، کم شدن آشنایی‌های صمیمی و بریده بریده شدن تماس‌های اجتماعی می‌گردد. کنش‌های متقابل در گروه‌های بزرگ ابزاری می‌شود، یعنی افراد بر مبنای اهداف خاص با هم کنش دارند. این خصایص شهر باعث می‌شود که روابط سطحی، زود گذر و توأم با گمنامی باشند. فرد احساس تعلق و وابستگی و مشارکت نزدیک را از دست می‌دهد. زندگی و کار در کنار جمعیت بزرگی که هیچ نوع پیوند احساسی و عاطفی ندارند، در ضمن حس رقابت و استثمار متقابل را افزایش می‌دهد. ضریب همبستگی دو متغیر شهرگرایی و کاهش پیوند اجتماعی در شهر ۰/۱۵۵ با سطح معناداری ۰/۰۰۲ می‌باشد که این رابطه دستخوش تبیین گردید. عوارض کاهش پیوند اجتماعی رشد بسیاری از آسیب‌ها و عوارض شهری است که امروزه دامنگیر شهر تهران می‌شد.

فرضیه چهارم تحقیق ملهم از رویکرد ورث است. از نظر ورث جدایی‌های فضایی در شهر باعث سست شدن پیوندهای همسایگی و عاطفی می‌شود و از نظر فیشر شهرنشینان به دلیل وجود عوامل اکولوژیکی، نه می‌توانند و نه می‌خواهند با هر کسی که می‌بینند باب دوستی و ارتباط را بگشایند. در رابطه‌ی فوق ضریب همبستگی شهرگرایی و کاهش پیوند عاطفی افراد در شهر ۰/۰۷۹ با سطح معناداری ۰/۱۲۰ می‌باشد که مورد تأیید واقع نشده است. جای بسیار امیدواری است که انرژی عاطفی در کلان شهری مانند تهران علی‌رغم بسیار از موانع و مشکلات همچنان می‌تواند تامین کننده بخشی از نیازها و انتظارات اجتماعی و روحی افراد باشد. از نظر

زیمیل ذهن مدرن بیشتر و بیشتر حسابگر شده است. دقت حسابگرانه زندگی عملی و روزمره که اقتصاد پولی آن را به همراه آورده است با آرمان جهان طبیعی انطباق دارد. این امر مهمترین دلیل تقویت روحیه‌ی فردگرایی در کلان‌شهرها می‌باشد. ضریب همبستگی شهرگرایی و افزایش فردگرایی در شهر ۰/۲۳۸ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد که رابطه اثبات گردید. بنابراین بین گرایش به شهر گرایی در مفهوم محاسبه اقتصادی و تمایل‌های فردگرایانه ارتباط وجود دارد. و این خود زنگ خطری از جهت رشد اخلاق شهری خودخواهانه است. ساده‌ترین پی‌آمد این موضوع عدم احساس مسئولیت شهروندی و کاهش اخلاقیات اجتماعی در شهر است.

منابع

- آبراکمبی، نیکلاس، استفن هیل و برایان اس ترنر (۱۳۷۰) فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، انتشارات چاپخش، چاپ دوم.
- آرون، ریمون (۱۳۶۴) مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- بی‌ژفر، علی (۱۳۸۸) کابینه دوم میر حسین موسوی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دواس، دی، ای (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۲) «تحلیل و نقد مکتب اکولوژی شهر شیکاگو»، نشریه مدرس، شماره ۱.
- عبدالله‌پور، جمال (۱۳۸۷) «بررسی جامعه‌شناختی وضعیت شهرگرایی شهر نشینان شهر سردشت»، دانشکده علوم اجتماعی، اقتصادی، دانشگاه تهران.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی شهری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- صائمی، سید رضا (۱۳۸۸) «تعریف دشوار سینمای ملی، سایت هنر نیوز»، تاریخ انتشار ۲۹ دی ماه ۱۳۸۸؛ سترسی در آدرس زیر: <http://honarnews.com/vdca.un0k49niy5k14.html>
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۶۹) جامعه‌شناسی شهری، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵.
- کسرای، محمدسالار، پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸) «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۳.
- محسنین، کامیار (۱۳۸۸) تاریخچه جشنواره‌های خارجی و سیاست‌های آن‌ها، در: معززی‌نیا، حسین، سی‌نما - جشنواره، انتشارات سروش.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی شهر، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- موسوی، یعقوب (۱۳۸۷) «تناقضات توسعه شهری: رشد شهری و فرهنگ ناموزن»، مجموعه مقالات همایش انسان‌شناسی فرهنگی و اخلاق شهروندی، مرکز مطالعات شهر تهران، سازمان فرهنگی و هنری شهرداری.
- میرزایی، حسین (۱۳۸۵) «بررسی میزان فردگرایی در میان اقشار اجتماعی مختلف»، تهران: پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- Brunn, S. D; Williams, J. F. and D, J. Zeigler(2003), Cities of the World, New York: Rowman and Littlefield Publishers .
- -Gottdiener, M and R. Hutchison(2006)The New Urban Sociology, Third Edition, Colorado: West View Press.

- -UN-Habit-International (2005). World Environment and Resources. Oxford, New York, pp. 506-629
- -Wirth, L. (1938)"Urbanism as a way of Life", The American Journal of Sociology, July, Volume XLIV, Number 1, pp: 1-24.
- -Simmel, G (1971): on Individuality and social Forms(ed), by Levine,D,N. Chicago: The University of Chicago Press.
- -Simmel, G (1969). "The Metropolitan and Mental Life", in Richard Sennet(Ed), Classic Essays on the Culture of Cities, New York: Meredith Corporation, pp: 47-6
- -Saunders, peter (1987). Social theory and the Urban Question; p. 24

